

# مروری بر چشم اندازهای منطقه

## دریای خزر در قرن ۲۱

احمد حاجی حسینی<sup>۱</sup>

هرگونه تصمیم‌گیری در مورد معماری امنیتی حوزه دریای خزر فقط و فقط با حضور نمایندگان و کارشناسان و براساس برابری حقوق واحدهای سیاسی میسر است. در این حوزه بسیار کوچک و محدود فرنها است اقوام مختلفی در صلح و صفا در کنارهم زندگی کرده‌اند. ارتقای وضعیت برخی از این گروههای قومی به سطح ملت و کشور نمی‌تواند رابطه جوهری حاکم فی‌مابین آنها را به حدی دگرگون کند که نسبت به یکدیگر احساس تهدید و نگرانی داشته باشند. به عبارت دیگر دریای خزر از گذشته‌های دور محیط صلح و امنیت بوده و خواهد بود.

اگر از دیدگاه «مکیندر» اندیشمند مشهور انگلیسی به منطقه دریای خزر و کشورهای ساحلی آن بنگریم قطعاً دریای خزر را «هارتلند» و سلطه بر آن را سلطه بر این «قلب» تپنده خواهیم دید. اما جهان در دوران دیگری است و اگر از طریق اعمال سلطه قاهرانه می‌شد بر این منطقه حکومت کرد شوروی‌ها هنوز تسلیحات کافی برای این کار داشتند. جدای از این نحوه نگرش، حوزه دریای خزر موضوعات خاص خود را دارد. می‌توانیم آنها را حسب موضوع به چند گروه سیاسی، اقتصادی و امنیتی تقسیم کنیم. در هر موردی مسائل مربوط به همان مورد مطرح می‌شود که سیاستهای متضادی ممکن است برای حل و فصل آنها اتخاذ گردد. اما در اینجا باید تأکید کنم که صرف تقسیم و طبقه‌بندی موضوعات این حوزه راه‌حل آنها را نشان نمی‌دهد. حوزه قبل از هر چیز یک مشکل بزرگ و مادر دارد که تمامی موضوعات دیگر را در حوزه دریای خزر تحت الشعاع قرار می‌دهد و آن فقدان اجماع در خصوص رژیم حقوقی حاکم بر این حوزه است. مجموعه مشکلات اقتصادی، محیط‌زیستی، سیاسی و امنیتی حوزه دریای خزر پس از حل این مشکل چندان اهمیتی نخواهند داشت.

۱. احمد حاجی حسینی مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است. مقاله حاضر در سمینار *The Caspian Region: Political Realignments, Energy Implications and New Security Architecture for the Twenty-first Century* که در تاریخ ۲۴-۲۵ اردیبهشت‌ماه سال ۷۵ در لندن برگزار شد ارائه گردید.

البته فقدان چنین رژیمی مانع همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز نیست و اصولاً امروزه سیاستهای حذف رقیب که طی دو جنگ جهانی و یک جنگ سرد برای مدتی قریب به یک قرن کامل بر جهان حاکم بود جای خود را به همکاری بین‌المللی داده است. حضور یک‌جانبه شوروی که به هر صورت نه متضمن صلح و امنیت بود و نه به ترقی، توسعه و نیک‌بختی ملل کمکی می‌کرد، به پایان رسیده و اکنون بازمه آبهای نیلگون خزر می‌تواند الهام‌بخش صلح، آرامش و دوستی بین ملتها باشد. بی‌تردید هرگونه حرکت در جهت همگرایی کشورهای منطقه تأثیرات مثبت خود را بر مناطق مجاور و حتی مناطق دوردست نیز خواهد گذاشت. قطعاً در این واپسین سالهای قرن بیستم، همکاری و همگرایی از دیگر شیوه‌ها مؤثرتر و مفیدتر خواهد بود. منطقه پیرامونی خزر بسیار وسیع و کشورهایی که از تأثیرات مثبت اقتصادی و امنیتی آن بهره‌مند می‌شوند از سوابق تاریخی و تمدنی گوناگونی برخوردارند. این کشورها تا به امروز علی‌رغم فرازونشیبهای تاریخی در حد معقولی با یکدیگر تعامل داشته‌اند. هرچند بعضی از آنان اولین سالهای استقلال را تجربه می‌کنند و روند دولت و ملت‌سازی را طی می‌نمایند ولی تا همین جا نیز توانایی‌های قابل ملاحظه‌ای را از خود بروز داده‌اند. دیری نخواهد پایید که جایگاه مناسب خود را در نظام بین‌المللی بیابند و به‌خوبی به تعامل با سایر کشورهای خارج از منطقه بپردازند.

منطقه به لحاظ اقتصادی دوران حساس و بسیار مهمی را پشت‌سر می‌گذارد، از نقطه‌نظر سیاسی تجربه تازه‌ای انجام می‌شود و از منظر امنیتی نیازهای تازه و ضرورت‌های جدیدی مطرح خواهد شد. نظام بین‌المللی در همه این زمینه‌ها ذی‌نفع است و قطعاً جهانیان آگاهی دارند که فقط در یک حالت بهره‌برداری از منافع این حوزه جدید اقتصادی، سیاسی و امنیتی قابل‌تصور خواهد بود و آن شرایطی است که صلح و امنیت مهیا باشد.

دریای خزر برای ایران، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و جمهوری آذربایجان منافع اساسی و غیرقابل‌انکار دارد. برخی از محققان معتقدند این منطقه، بدون در نظر گرفتن ذخایر گاز روسیه، دارای ۵۷/۱ تریلیون مترمکعب گاز است و مقام نخست را در جهان دارد. گذشته از آن ذخایر نفتی این منطقه با رقم ۵۹/۲ میلیارد بشکه آن را در مقام سوم جهان جای می‌دهد.<sup>(۱)</sup>

قصد من این نیست که در مورد الگوهای سیاسی و اقتصادی مناسب برای منطقه سخنی بگویم و یا حتی در باب امنیت حوزه دریای خزر فرمولی ارائه دهم ولی مایلم در مورد معماری امنیتی این منطقه حساس یک شرط اولیه‌ای را مطرح سازم و آن عبارت است از این‌که: هرگونه تصمیم‌گیری در مورد معماری امنیتی حوزه دریای خزر فقط و فقط با حضور نمایندگان و

کارشناسان و براساس برابری حقوق واحدهای سیاسی میسر است. در این حوزه بسیار کوچک و محدود قرن‌ها است اقوام مختلفی در صلح و صفا در کنار هم زندگی کرده‌اند. ارتقای وضعیت برخی از این گروه‌های قومی به سطح ملت و کشور نمی‌تواند رابطه جوهری حاکم فی مابین آنها را به حدی دگرگون کند که نسبت به یکدیگر احساس تهدید و نگرانی داشته باشند. به عبارت دیگر دریای خزر از گذشته‌های دور محیط صلح و امنیت بوده و خواهد بود.

علی‌رغم وجود و کثرت انواع آلوده‌کننده‌های زیست‌محیطی، خوشبختانه محیط سیاسی فی مابین کشورهای تازه استقلال یافته و دولت جمهوری اسلامی ایران محیطی است لبریز از حسن تفاهم. به عبارت دیگر مشکلی در سطح منطقه وجود ندارد. هیچ کشوری به دنبال توسعه نفوذ خود نیست و اگر هم در سالهای آغازین کسب استقلال این کشورها برخی از کشورهای همسایه به دنبال احیای امپراتوری‌های منسوخ گذشته بودند اکنون معلوم شده است که منطقه نسبت به آن محرکهای خارجی و واکنش مثبتی از خود نشان نمی‌دهد.

تنها عامل نگران‌کننده در این حوزه دستکاری‌های آشکار و پنهان قدرتهای خارج از منطقه است که با نگرشهای خاص غربی خود و تفکری برخاسته از استعمار و امپریالیسم به این حوزه می‌نگرند. تجلی این نگرش یورش کمپانی‌های نفتی به این حوزه است. البته حضور غرب فعلاً و عمدتاً جنبه اقتصادی دارد. در حقیقت استفاده از منابع زیر بستر دریا که به علت فقدان تکنولوژی در زمان امضای معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و اتحاد شوروی سابق مطرح نبود و ضمناً در زمان حکومت شوروی توافقی ضمنی در مورد عدم استفاده از آن منابع با ایران وجود داشت اکنون به سردمداری غرب مطرح شده است. در حالی که معاهدات مذکور دوجانبه بوده فعالیت طرف سوم در آن اصولاً مجاز نبود. اما اکنون بحث استفاده از منابع زیر بستر دریای خزر به دلایل مختلف مطرح است و بدون اینکه وضعیت حقوقی جدیدی جایگزین شده باشد بازیگران جدیدی ظاهر شده‌اند.

مجموعه‌ای از عوامل منفی از جمله تب‌سالتها عقب‌ماندگی، رفتار اتحاد شوروی سابق با این جمهوری‌ها، ترس و نگرانی شدید از یک وضعیت بسیار بد اقتصادی، موجب شده بود که در آغاز حرکتی حساب نشده به سوی قطبی دیگر در منطقه شروع شود. این حرکت اکنون عقلانی‌تر شده و راههای صحیح‌تر و عملی‌تر خود را نشان داده است.

چون با فروپاشی اتحاد شوروی سابق تعداد کشورهای ساحلی افزایش یافته است لذا ضرورت تعیین یک رژیم حقوقی که نظام حاکم بر عملیات بهره‌برداری از این منابع را تعیین کند بیشتر احساس می‌شود. به‌طور یقین تعیین رژیم حقوقی خودبه‌خود موضوع تأمین امنیت دریای

خزر را نیز تحت الشعاع قرار خواهد داد. تعبیر من این است که حتی سخن گفتن از سیستم تأمین امنیت دریاچه بدون تعیین تکلیف رژیم حقوقی ناظر بر آن نه ضروری است و نه ممکن. سندی که در جلسه ۶ اکتبر ۱۹۹۴ سازمان ملل متحد توزیع شد نشان می‌دهد که براساس حقوق بین‌الملل رژیم فعلی حاکم بر وضعیت حقوقی دریای خزر از همان عهدنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ناشی می‌شود و مادام که توافق جدیدی جای آن را نگرفته باشد معتبر است.<sup>(۲)</sup>

علاوه بر آن، کلیه جمهوری‌های اتحادشوروی سابق که کشورهای ساحلی خزر نیز طبعاً جزء آنها هستند در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ بیانیه آلماتی را امضا و براساس آن تأکید نموده‌اند که «کلیه دولتهای مستقل مشترک‌المنافع اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای شوروی سابق را تضمین می‌کنند».<sup>(۳)</sup> بنابراین اگر این کشورها امضای خود را قبول دارند و به تضمین مستند خود پایبند هستند مشکلی وجود نخواهد داشت و در دریای خزر معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ همچنان معتبر خواهد ماند. اما اگر این کشورها به معاهدات قبلی پایبند نیستند و قصد مخدوش کردن حقوق بین‌الملل عمومی را از طریق توسل به راه‌حلهای انفرادی و ابداعی دارند قطعاً حوزه را به آشوب خواهند کشاند.

تقسیم دریا به بخشهایی تحت حاکمیت کشورهای ساحلی و یا هرگونه اقدام به گسترش حاکمیت دولتهای ساحلی بر بخشهایی از دریای خزر و به توجیه آن تعیین مناطق انحصاری اقتصادی و غیره امری است خلاف مقررات و موازین مورد قبول حقوق بین‌الملل و توسل به آن نه تنها منفعتی را نصیب دولت ساحلی نخواهد کرد بلکه می‌تواند منافع جمعی کشورهای حوزه دریای خزر را با تهدیدهای جدی مواجه سازد.

به‌طورکلی بحث در مورد هرگونه معماری امنیتی در این منطقه باید با در نظر گرفتن اصل مودت و حسن همجواری بین ساکنان و ملل منطقه باشد و هرگونه سیاست‌گذاری که این اصول را نادیده بگیرد غیرواقعی خواهد بود. اگر قصد کشورهای خارجی که بعضاً در تعقیب منافع نفتی خود در منطقه حضور دارند برهم زدن نظم موجود است که خود حاصل روابط صلح‌آمیز جایگزین کردن روابط مبتنی بر بدگمانی، منازعه و مخاصمه باشد مشکل بتوان برای آن شانس موفقیتی را تصور کرد.

علاوه بر آنچه که گفته شد مایلیم در اینجا برخی از اصول کلی و الزامات مورد قبول کشورهای حوزه دریای خزر را یادآوری کنم. اطمینان دارم آنچه مطرح می‌شود با رعایت منافع کشورهای ساحلی و ملاحظات چندجانبه تدوین شده است:

۱. توجه به محیط‌زیست یگانه دریاچه بزرگ دنیا که ویژگی‌های زیست‌محیطی آن نیز همانند مساحت و طبیعت آن بی‌نظیر است در رأس هرگونه تصمیم‌گیری به‌طور اعم قرار دارد. خواه تصمیم‌گیری‌ها با نگرش اقتصادی که منطقه به آن حساسیت دارد همراه باشد و یا صرفاً نگرش امنیتی در آن لحاظ شده باشد. محیط‌زیست دریاچه آرال به علت بی‌توجهی‌های عمدی و آفات طبیعی به کلی آسیب دیده و غیرقابل بهره‌برداری شده است.

محیط‌زیست خزر نیز می‌تواند به طرق مختلف به سرنوشت دریاچه آرال دچار گردد. در حقیقت سودجویی‌های یکجانبه، حتی توسل به موضوعاتی مانند تأمین امنیت و اقدامات مشابه آن، و یا تردد چند قایق گشت‌زنی و ماجراجویی‌هایی که با توجیحات امنیتی همراه باشد به‌سادگی می‌تواند دریای خزر را در حد غیرقابل جبرانی آلوده نماید. اگر کشورهای حوزه هریک به تنهایی بخواهند برای تأمین امنیت دریاچه به اقدامات فردی پردازند خیلی زود محیط‌زیست دریاچه را به نابودی خواهند کشاند.

در حال حاضر اغلب کشورهای ساحلی دریای خزر، متأسفانه، به مسائل صید و صیادی در این دریا به نحوی یکسویه نگاه می‌کنند. اگر قرار باشد هر کشوری فقط به قصد استیفای حداکثر منافع خود از دریا صید کند بزودی دیگر هیچ کشوری قادر به صید نخواهد بود. با توجه به اینکه این دریاچه محل پرورش بهترین نوع ماهیان خاویاری است باید با همکاری کلیه کشورهای ساحلی به نظم بخشیدن به امور صید و صیادی پرداخت. همچنین، طبیعت مهاجر ماهیان خاویاری را در نظر گرفت و مقررات ویژه‌ای برای صید آنها اختیار کرد. این مقررات قطعاً می‌تواند به تأمین امنیت غذایی منطقه کمک کرده و بخشی مهمی از پروتئین مورد نیاز ملل منطقه را تأمین و در کنار آن درآمدهای ارزی شایان توجهی را نصیب این کشورها نماید.

۲. هم‌اکنون دریای خزر خود با مسائل عدیده‌ای روبه‌رو است. بالا آمدن سطح آب خسارات فراوانی را به مناطق ساحلی تحمیل می‌کند. آلودگی‌های گوناگونی که ناشی از تمرکز بیش‌از حد مجاز مواد نفتی، افزایش میزان مداخله در طبیعت، آلودگی‌های ناشی از استقرار منابع آلوده‌کننده در ساحل، آلودگی ناشی از کشتیرانی و حفاری‌های بستر دریا، تخلیه مواد و زواید سمی و حتی آلودگی ناشی از اتمسفر، محیط‌زیست دریای خزر را تهدید می‌کند.

۳. استخراج نفت و گاز و به‌طور کلی بهره‌برداری از منابع زیربستر دریای خزر نیز خود از مسائل خاص این منطقه است که کمترین مشکل آن خساراتی است که به اکوسیستم منطقه وارد می‌کند. در این مورد نیز نباید قضایا را از زاویه منافع فردی کشورها نگرست بلکه باید دولتها قبول کنند که بخشی از منافع و حتی حاکمیت فردی خود را در راه کسب منافع و امنیت جمعی

کشورهای منطقه هزینه کنند. یقیناً سودآوری کار جمعی در مناطقی مانند خزر بیش از منافع اقدام فردی خواهد بود.

اقدامات یک‌جانبه در بهره‌برداری از منابع زیر بستر دریای خزر بدون تعیین وضعیت حقوقی و قبل از تعیین حدود اختیارات و مسئولیتهای دولتهای ساحلی می‌تواند علاوه بر آسیب‌رساندن به محیط‌زیست دریای خزر برای سایر کشورها خساراتی را به همراه داشته باشد. برخی از این اقدامات با هنجارها و اصول بین‌المللی مغایرت دارد و باید به موقع جلوی آن گرفته شود.

۴. به دلایل بیشماری می‌توان و باید هرگونه اقدام در ارتباط با امنیت دریای خزر را در یک سازمان مشترک متشکل از کشورهای حوزه متمرکز نمود. برای این کار سازمان همکاری‌های دریای خزر مناسب‌ترین تشکیلات به نظر می‌رسد. بخشی از این سازمان، اگر برای تأمین امنیت مأموریت یافته باشد، می‌تواند از جانب همه کشورهای ساحلی به حفاظت منافع مشترک کشورها بپردازد. در آن صورت حصول نتایج زیر تضمین خواهد شد:

- رقابت تسلیحاتی به وجود نخواهد آمد؛

- قاچاق از هر نوع آن در مهار نیروهای تأمین امنیت دریاچه خواهد بود و اداره چندملیتی

امور حفاظت هرگونه سوءاستفاده و اغماض را به حداقل کاهش خواهد داد؛

- بودجه‌های جداگانه‌ای، که برای اقتصاد در حال تحول منطقه تأثیرات حیاتی دارد، برای

امور نالازم و موازی اختصاص نخواهد یافت و از این طریق مبالغ قابل توجهی صرفه‌جویی خواهد شد.

۵. همان‌طور که پیشتر گفته شد یکی از اقداماتی که قبل از دخول به مبحث معماری

امنیتی حوزه دریای خزر ضرورت دارد تعیین رژیم حقوقی دریای خزر است که باید براساس اجماع و رعایت اصول و موازین بین‌المللی تدوین و مورد توافق کامل کشورهای حوزه باشد. در این مورد دستکاری‌های پنهان کشورهای خارج از منطقه فقط و فقط می‌تواند حصول توافق را به تأخیر انداخته و برقراری نظم و آرامش را به خطر اندازد. به همین دلیل عدم حضور بیگانگان در تبادل نظرهای مربوط به رژیم حقوقی در رسیدن به راه‌حلهای مورد توافق طرفهای مذاکره‌کننده کمکی بیشتری می‌کند. بخصوص اینکه کشورهای این حوزه با توجه به تجربه هفتادساله حکومت شوروی از مداخلات خارجی‌ها در امور داخلی خود نگران هستند و نخواهند توانست در محیطی که نفوذ بیگانگان عامل تعیین‌کننده باشد به اجماع و توافق برسند.

۶. دریای خزر یک دریاچه عاری از تسلیحات است. سابقه‌ای از جنگ و ستیز در آن قابل

ذکر نیست. حتی در دوران رقابتهای نظامی ناتو و رشو در این دریا فعالیتهای نظامی چندانی انجام نمی‌شد و شوروی‌ها فقط پوشش دریایی مختصری بر دریای خزر اعمال می‌کردند.<sup>(۴)</sup> بنابراین باید حداکثر کوشش به عمل آید تا وضعیت فعلی حفظ شود و حتی باید با امیدواری سعی شود روابط بین کشورهای ساحلی به حدی اعتلا یابد که نه تنها این دریا غیرنظامی باقی بماند، بلکه منطقه نیز به یک منطقه صلح و امنیت تبدیل شود. برای چنین کاری لزوم اتخاذ استراتژی‌های درازمدت و مشترک به شدت احساس می‌شود. نباید به دریای خزر به عنوان منطقه نظامی نگاه کرد، در اینجا آنچه از طریق مشارکت و همکاری به دست خواهد آمد هرگز از طریق رقابت و میلیتاریسم حاصل نخواهد شد.

۷. طرحهایی که برای انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی مطرح می‌شود باید حداکثر توجه را به واقعیت‌های زیست‌محیطی و اقتصادی منطقه داشته باشد. برخی نگرشهای کوتاه‌بینانه تلاش می‌کنند خطوط نفت و گاز بجای عبور از خشکی و مسیر ایران از بستر دریای خزر عبور کند. چنین تصمیم‌هایی نه تنها الزام جغرافیا و الزام محیط‌زیست را در درازمدت نادیده می‌گیرند بلکه به یک میراث ارزشمند و مشترک بشری بی‌توجهی کرده قصد تخریب دریای خزر را دارند. اگر موشکافانه به موضوع بنگریم عملی شدن چنین طرحهایی نه اقتصادی است و نه حافظ ثروت طبیعی مردم منطقه.

۸. در اینجا می‌خواهم دو دیدگاه خاص را در خصوص امنیت مطرح سازم. اول تأمین امنیت بر مبنای کاربرد جبر و زور یا تأمین امنیت نظامی که در «سیاست دولتها در جهت جمع‌آوری تسلیحات و بستن پیمانتهای نظامی» متجلی می‌شود.<sup>(۵)</sup> چنین دیدگاهی ممکن است با عمده کردن همکاری‌ها و روابط دوستانه ایران و روسیه و اشاعه این تز که گویا ایران خیال دارد نقش اتحاد جماهیر شوروی سابق را در منطقه ایفا کند، دولتهای منطقه را به مسابقه تسلیحاتی کشانده و آنها را وادار سازد به سرمایه‌گذاری‌های کلان نظامی در برابر خطر جعلی ایران بپردازند. به‌طور یقین چنین دورنمایی در اندیشه و تفکر طراحان سیاست خارجی ایران نمی‌گنجد و بیشتر ساخته و پرداخته فروشندهگان اسلحه و دولتهایی است که قصد توسعه نفوذ خود را در منطقه دارند و حتی پایگاه و تسهیلات نظامی در اختیار کشورهای خارج از منطقه قرار می‌دهند.

اما توسعه و اعتلای فرهنگ سیاسی، جامعه‌پذیری و تأمین اعتماد دیدگاه دومی است که در خصوص امنیت مطرح است. هر کشور با هر گامی که در جهت توسعه، رعایت حقوق و ارزشهای ملی و بین‌المللی، آموزش و آشنا کردن عموم با مبانی صلح و هنجارهای همزیستی مسالمت‌آمیز برمی‌دارد در حقیقت گامی در جهت کسب مشروعیت بیشتر ملی، منطقه‌ای و

بین‌المللی برداشته است. با چنین مشروعیتی دیگر جایی برای اصطکاک و منازعه و عدم امنیت باقی نمی‌ماند. می‌توان ادعا کرد که امنیت از طریق توسعه و اعتلای فرهنگ تأمین می‌شود. به عقیده اینجانب این راهی است که در حوزه دریای خزر مانند هرجای دیگر، به بهترین نحو و در کوتاهترین مدت می‌تواند امنیت کشورها را تأمین کند. اعلام دریای خزر به عنوان «منطقه صلح» در چارچوب این تفکر و طرز تلقی است.<sup>(۶)</sup>

در تعقیب این روش است که جمهوری اسلامی ایران مایل به همکاری درازمدت و اتخاذ استراتژی‌های مشترک با یکایک کشورهای منطقه می‌باشد. در این راه از مساعدت کشورهای خارج منطقه در جهت توسعه استقبال می‌شود مشروط به اینکه اینگونه کشورها نخواهند موازنه منطقه‌ای را در جهت اهداف خود برهم بزنند. اطمینان دارم مداخله دولتهای خارج از حوزه دریای خزر همان‌طور که در مورد نحوه استفاده از نفت و گاز شاهد آن بوده‌ایم نخواهد توانست مسائل و معضلات منطقه را حل و فصل نماید.

کشورهای حوزه دریای خزر از دیدگاههای گوناگون صنعتی و اقتصادی با روسیه، اوکراین و بیلوروسی همگون هستند. اقتصاد و بازار مصرف آنها تقریباً همانند است ولی از نقطه نظر حمل و نقل و ارتباط با جهان بیش از همه ارتباط با ایران و یا از طریق ایران را مورد توجه قرار می‌دهند. این واقعیت به چند صورت می‌تواند جنبه عملی پیدا کند و چارچوبه‌های گوناگونی برای آن وجود دارد. همان‌طور که سایر سخنرانان نیز اشاره داشته‌اند از طرفی سازمان همکاری منطقه‌ای «ا.کو» و از طرف دیگر سازمان همکاری‌های دریای خزر وجود دارند که هر یک جنبه‌هایی از موضوعات و مسائل حوزه دریای خزر را سروسامان خواهند داد.

شخصاً به کارآیی این دو سازمان اعتقاد دارم و فکر می‌کنم اگر نخبگان و رهبران سیاسی و تصمیم‌گیری سایر کشورهای حوزه دریای خزر نیز بنشینند و با حسن‌نیت و تفاهم به بحث و گفتگو و اتخاذ استراتژی درازمدت بپردازند آینده روشنی برای همه کشورهای حوزه دریای خزر قابل پیش‌بینی باشد. در چنان شرایطی نیازی به بررسی مسائل دریای خزر در مراکز مطالعات و تحقیقات منازعه نخواهد بود و همه موضوعات از دیدگاههای صلح و امنیت بررسی خواهد شد.

۹. در پایان اشاره به یک نکته ضرورت دارد، هرچند که در خلال مطالبیم نیز به آن اشاره شده باشد. دریای خزر - صرف‌نظر از اینکه دریاچه باشد یا دریا - که جغرافیا و حقوق بین‌الملل آن را مشخص کرده است - منابعی را در دل خود دارد که می‌تواند پاسخگوی نیازهای فوری، متوسط‌مدت و درازمدت ملل منطقه باشد. بهره‌برداری از این منابع فقط در صورت وجود



حسن‌نیت، همکاری، همگرایی و مشارکت میان کشورهای ذی‌نفع ساحلی میسر خواهد بود. ملل کوچک دنیا تنها در سایه اتخاذ استراتژی‌های مشترک و درک منافع مشترکشان می‌توانند منافع درازمدت خود را حفظ کنند. روشهای خاص برای موضوعات خاص مانند ماهیگیری در دریای خزر<sup>(۷)</sup> شاید نتیجه‌بخش باشد اما اقداماتی که با رعایت اصول و موازین بین‌المللی صورت گیرد به‌طور یقین مفیدتر و برای نسلهای آینده سودمندتر خواهد بود.

## یادداشتها

۱. پیروز مجتهدزاده «دیدگاههای ایران در رابطه با دریای خزر، آسیای مرکزی، خلیج فارس و خاورمیانه»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۹۵-۹۶، سال نهم، شماره ۱۱ و ۱۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۴، صص ۸-۱۵.
۲. در مورد مفاد عهدنامه رجوع شود به مقاله الکساندر خوداکف، «چارچوب حقوقی همکاری‌های منطقه‌ای در دریای خزر»، ترجمه مهرداد محسنین، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴، صص ۱۲۹-۱۵۶.
۳. الکساندر خوداکف، همان منبع، صص ۱۵۲.
4. Hugh Faringdon, Strategic Geography, NATO, the Warsaw Pact, and the Superpowers, Routledge, London and New York, 1989.
۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص طرق و وسایل حفظ امنیت رجوع شود به: جلیل روشندل، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، سمت، تهران، ۱۳۷۴.
۶. رجوع شود به مقاله جمشید ممتاز، «وضعیت حقوقی دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴، صص ۱۲۳-۱۳۰.
۷. محمدرضا دبیری، رژیم حقوقی دریای خزر عاملی برای توازن منافع و توازن امنیت، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴، صص ۱۳۰-۱۲۳.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی